

سپهر زنان - ۳

نوشتۀ

بتی فریدان

ترجمۀ

گروه مترجمان

فاطمه صادقی، هما مداح، علی عبدی،

مهدی مجتهدی، حسین ورجاوند و یاشار گرمستانی

رازوری زنانه

کتابساز

نشر نگاه معاصر

# رازوری زنانه

نوشته

بتی فریدان

ترجمه

گروه مترجمان

فاطمه صادقی، هما مداح، علی عبدی،

مهدی مجتهدی، حسین ورجاوند و یاشار گرمستانی

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام  
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی شما (امید سیدکاظمی) / چاپ اول: ۱۳۹۲ / شمارگان: ۱۰۰۰  
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان / شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۶۳-۸۱-۳

نگاه

نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ - خیابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe\_moaser@yahoo.com

Friedan, Betty	فریدان، بتی، ۱۹۲۱-۲۰۰۶ م.	سرشناسه
[و دیگران].	رازوری زنانه / بتی فریدان؛ گروه مترجمان: فاطمه صادقی ... [و دیگران].	عنوان و نام پدیدآور
	تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۲.	مشخصات نشر
	ص. ۳۷۱.	مشخصات ظاهری
	3-81-7763-964-978	شابک
	فیبا.	وضعیت فهرست‌نویسی
	گروه مترجمان: فاطمه صادقی، هما مداح، علی عبدی، مهدی مجتهدی، حسین ورجاوند، یاشار گرمساری.	یادداشت
The Feminine Mystique, © 1983	عنوان اصلی:	یادداشت
	فمینیسم - ایالات متحده.	موضوع
	زنان - روان‌شناسی.	موضوع
	زنان - ایالات متحده - مسائل اجتماعی و اخلاقی.	موضوع
	ایالات متحده - اوضاع اجتماعی - ۱۹۴۵ م.	موضوع
	صادقی، فاطمه، ۱۳۴۹ - مترجم.	شناسه افزوده
	۱۳۸۸ ر ۴ ف / ۱۴۲۶ HQ	رده‌بندی کنگره
	۳۰۵ / ۴۲۰۹۷۳	رده‌بندی دیویی
	۱۹۵۲۱۲۲	شماره کتابشناسی ملی

## فهرست

۷	مقدمه
۹	پیش‌گفتار
۱۳	مشکل بی‌نام
۳۳	قهرمان خوشبختی به نام زن خانه
۶۷	بحران کیستی زن
۷۷	سفر شورانگیز
۹۹	خودباوری جنسی و زیگموند فروید
۱۲۳	تصلب کارکردی، جلوه‌گری زنانه و مارگارت مید
۱۴۷	مربیان جنس‌گرا
۱۷۹	انتخاب اشتباه
۲۰۳	فروش جنسی
۲۱۷	برای وقت‌کشی، کارخانه زیاد می‌شود
۲۳۹	جویندگان سکس
۲۷۱	انسان‌زدایی تدریجی: اردوگاه‌های کشتار جمعی مرفه
۳۰۱	خود فداشده
۳۲۹	طرح زندگی جدیدی برای زنان

## مقدمه

رازوری زنانه از کتاب‌های بسیار تأثیرگذار بوده است. در اهمیت این کتاب همین بس که نه تنها در شکل‌گیری موج دوم جنبش زنان در آمریکا در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ تأثیر تعیین‌کننده داشته است، بلکه تاکنون بیش از ده میلیون نسخه از آن به زبان انگلیسی به فروش رفته است. بتی فریدان (۲۰۰۶-۱۹۲۱) نویسنده‌ی کتاب در پثوریا در ایلی‌نویز به دنیا آمد و از مدارس دولتی همان ناحیه فارغ‌التحصیل شد. بعد به کالج اسمیت راه یافت و توانست از آن‌جا با درجه‌ی عالی فارغ‌التحصیل شود. او شاگرد کورت کافکا روان‌شناس بزرگ مکتب گشتالت بود که موفق به گرفتن بورسی هم در روان‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی شد و به عنوان روان‌شناس بالینی و پژوهش اجتماعی کار کرد. پس از ازدواج به کار نوشتن نیمه‌وقت برای مجلات معروف امریکایی روی آورد. فریدان بنیان‌گذار سازمان ملی زنان آمریکا نیز هست که در ۱۹۶۶ سه سال پس از نوشتن رازوری زنانه آن را تأسیس کرد و از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ رئیس آن بود. سازمان دیگری نیز با عنوان خزانه‌ی منابع اجتماعی تأسیس کرد که هدف از آن تأمین منابع برای تحصیل عمومی کودکان مدارس دولتی بود که استعدادهای زیادی داشتند، اما نمی‌توانستند از عهده‌ی مخارج تحصیلات خصوصی برآیند. مدتی را هم به عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های تمپل، ییل و کوئینز کالج سپری کرد. فریدان جوایز زیادی دریافت کرد و پس از رازوری زنانه کتاب‌های دیگری هم نوشت. در ۱۹۷۶، زندگی مرا تغییر داد را نوشت که درباره‌ی پیشامدهایی است که پس از رازوری زنانه در زندگی او حادث شدند. در ۱۹۸۲، مرحله‌ی دوم و در ۱۹۹۴، منشأ سن را منتشر کرد.

رازوری زنانه تنها به موقعیت فرودست زنان نمی‌پردازد، بلکه انتقاد از وضعیت زنان

را در بستر انتقادی کلی از عناصری قرار می‌دهد که مشخصه‌ی امریکای آن روز محسوب می‌شدند: مصرف‌گرایی، سکس‌زدگی، و بی‌هدفی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و اوج دوران وفور نعمت. به همین دلیل این کتاب همواره تازه و خواندنی است؛ به ویژه برای فرهنگ‌ها و جوامعی که بی‌آن‌که خود بدانند، همان طریقه را در پیش گرفته‌اند.

در این کتاب فریدان حمله‌ی شدیدی به روان‌شناسی فرویدی می‌کند که در امریکای پس از جنگ شکل پیش پا افتاده‌ای به خود گرفت و به ایدئولوژی جامعه‌ای بدل شد که در آن لذت‌طلبی، تنعم و سودجویی، هدفی همگانی بود. او تبعات این ایدئولوژی را برای موقعیت زنان با استدلال‌های بسیار موşkافانه برشمرده است. از این رو رازوری زنانه را باید کتابی در روان‌شناسی اجتماعی جنسیت نیز به حساب آورد.

این کتاب انتقادات زیادی را برانگیخت؛ نه تنها از جانب محافظه‌کاران، بلکه از سوی فمینیست‌ها. یکی از مهم‌ترین انتقادات این بود که فریدان در این کتاب عمدتاً به وضعیت زنان در طبقات متوسط و مرفه جامعه‌ی امریکا پرداخته و باقی زنان را به فراموشی سپرده است. نیز گفته شده که او مبلّغ نوعی فمینیسم لیبرال است که حل همه‌ی مشکلات زنان را در بیرون آمدن زنان از خانه می‌جوید. قضاوت در باب صحت و سقم این انتقادات را به خود خواننده وامی‌گذاریم.

کتاب در ۱۹۶۳ به بازار آمد. این بدان معناست که هنوز واژه‌ی Gender یا جنسیت در معنای فرهنگی از Sex، در معنای زیست‌شناختی معماز نشده بود و از این رو در تمام این متن و به طریق اولی در ترجمه‌ی آن هر کجا از «جنسیت» استفاده می‌شود معادلی برای Sex و نیز Sexuality است. گاه ترجیح داده‌ایم به جای «جنسیت» از معادل‌های اخیر فارسی یعنی سکس و سکسوالیته استفاده کنیم که به نظر می‌رسید معنا را رساتر منتقل می‌کردند. مبنای ترجمه‌ی ما، چاپ ۱۹۹۲ انتشارات بنگون بوده است که با نخستین چاپ آن در ۱۹۶۳ به جهت ویرایشی تفاوت‌های مختصری دارد و در مقایسه با آن، منقح‌تر است.

فاطمه صادقی

## پیش‌گفتار

تا مدت‌ها مشکل را به وضوح نمی‌دیدم، و به تدریج، دانستم خطای فاحشی در راه و رسم زندگی زنان امریکایی امروز وجود دارد. این خطا را نخستین بار در مقام پرسش از زندگی خود به عنوان همسر و مادر سه فرزند خردسال حس کردم؛ هنگامی که با عذاب وجدان و لذا صادقانه، تقریباً علی‌رغم میل، توانایی‌ها و تحصیلاتم را در کار صرف می‌کردم، و خود را از خانه دور نگه می‌دانستم. این پرسش شخصی باعث شد در سال ۱۹۵۷ زمان زیادی را برای طرح پرسش‌نامه‌ای فشرده بگذارم که از همکلاسی‌هایم در کالج اسمیت گرفته شد که همگی پانزده سال پیش از آن فارغ‌التحصیل شده بودیم. پاسخ‌هایی که دویست نفر از زنان به آن پرسش‌های باز خصیصه دادند، باعث شد بفهمم که این مشکل برخلاف تصور من، مربوط به تحصیلات نیست. دشواری‌ها و خشنودی‌های ما از زندگی، و شیوه‌ای که تعلیم و تربیت ما شخصیت‌مان را شکل داده بود، صرفاً با تصویر زن امریکایی مدرن، آن‌گونه که در مجلات زنان نوشته می‌شد، در کلاس‌ها و کلینیک‌ها مورد مطالعه و تحلیل بود، یا از جنگ جهانی دوم به این سو به کرات مورد ستایش یا لعن واقع می‌شد، سازگاری نداشت. ناسازگاری عجیبی میان زندگی واقعی ما به عنوان زن و تصویری که سعی می‌کردیم با آن سازگار شویم وجود داشت که من دست آخر آن را «رازوری زنانه» نامیدم. پرسش من آن بود که آیا زنان دیگر هم با این شکاف اسکیزوفرنیک و پیامدهایش مواجه‌اند؟

و بدین‌گونه بود که یافتن ریشه‌های رازوری زنانه و تأثیرات آن را بر زنانی که با آن به سر می‌بردند، یا تحت تأثیرش بار آمده بودند، آغاز کردم. ابتدا روش من همان روش

گزارشگری بود که واقعه‌ای را گزارش می‌کند، تا این‌که به زودی فهمیدم با داستانی معمولی سر و کار ندارم. زیرا همچنان‌که یک سرنخ مرا به سرنخ دیگری در حوزه‌های وسیع اندیشه و زندگی مدرن هدایت می‌کرد، الگوی آغازینی که داشت ظاهر می‌شد، نه تنها با تصویر متداول بلکه با مفروضات روان‌شناختی ابتدایی در مورد زنان نیز در تعارض بود. در تحقیقات قبلی در مورد زنان معدودی از قطعات این پازل را یافتیم؛ اما نه همه را؛ زیرا در گذشته زنان در چارچوب رازوری زنانه مورد مطالعه قرار می‌گرفتند. تحقیق ملون درباره‌ی زنان واسار، بینش‌های سیمون دوبووار درباره‌ی زنان فرانسوی، کار میرا کوما و فسکی، و آگوا میردال جذاب بودند. به نظر من حتا تحقیقات رو به رشد مبتنی بر اندیشه‌ی روان‌شناختی جدید درباره‌ی هویت مردان که به نظر می‌رسید پیامدهایش برای زنان درک نشده، جذاب‌تر بودند. از رهگذر پرسش از پزشکان متخصص زنان، به شواهد بیشتری دست یافتم و رد پای رشد رازوری را در صحبت با ویراستاران مجلات زنانه، پژوهشگران تبلیغات انگیزشی، و خبرگان نظری در باب روان‌شناسی زنان، روان‌کاوی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و آموزش زندگی خانوادگی یافتیم. اما پازل سر هم نمی‌شد تا آن‌که با اشتاد زن که در مقاطع حساسی از چرخه‌ی زندگی‌شان - دختران دبیرستانی و دانشجویانی که از هر نوع پرسش هویتی، طفره می‌رفتند؛ زنان خانه‌دار جوان و مادرانی که، اگر رازوری درست عمل می‌کرد، دیگر نباید با این پرسش هویتی مواجه می‌شدند و بنابراین برای مشکلی که با آن دست به گریبان بودند، نامی نداشتند؛ و آن‌هایی که در چهل‌سالگی در سرآغاز افول بودند - هر بار دو ساعت تا سه روز در هفته مصاحبه‌ی عمیق انجام دادم. این زنان که برخی در عذاب بودند و برخی آرام، سرنخ‌های نهایی و تندترین کیفرخواست علیه رازوری زنانه را در اختیار من گذاشتند.

اما این کتاب بدون کمک بسیاری از کارشناسان، نظریه‌پردازان و مددکاران عملی این حوزه و در واقع بدون همکاری بسیاری که خود به دائمی شدن رازوری زنانه کمک کرده‌اند، نوشته نمی‌شد.

کمک‌های بسیاری هم از ویراستاران امروزی و گذشته‌ی مجلات، دانشمندان علوم رفتاری، نظریه‌پردازان، و درمان‌گران دریافت کردم. بینش‌ها، تفاسیر نظری و واقعی، و ارزش‌های درونی این کتاب متعلق به من است.

اما پاسخ‌هایی که در این‌جا ارائه می‌شوند، چه نهایی باشند چه نباشند، مشکلات زن امریکایی واقعی است. پرسش‌های بسیاری وجود دارند که دانشمندان علوم اجتماعی باید به آن‌ها پردازند. در حال حاضر، بسیاری از کارشناسان، مجبور شده‌اند وجود این مشکل را بپذیرند و تلاش‌های خود را برای تطبیق زنان با آن در چارچوب رازوری زنانه مضاعف کنند. پاسخ‌های من می‌تواند هم کارشناسان و هم خود زنان را آشفته کند، زیرا متضمن تغییر اجتماعی است. اما چنان‌چه اعتقاد نداشتم که زنان می‌توانند بر جامعه تأثیر بگذارند، و نیز از آن تأثیر بگیرند، این کتاب نوشته نمی‌شد. زیرا در نهایت، یک زن، مانند یک مرد از قدرت انتخاب و ساختن بهشت یا جهنم خود برخوردار است.

گراند ویو، نیویورک

ژوئن ۱۹۵۷ - ژوئیه ۱۹۶۲